۱۳۵

سلسله درسهای عرفانی

هُوَ ۱۲۱

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

موجبات فکر صحیح در همه طرف برای ما هست. وقتی می‌خواهید به خدا پناه ببرید از شرّ ناراحتی، دو تا قُلْ أَعُوذُ را می‌خوانید؛ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (سوره ناس، آیه ۱) و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (سوره فلق، آیه ۱). البتّه چه معنی اینها را بفهمید و چه نفهمید، یک قدری آن اثر را برای همان موضوع دارد ولی اگر معنایش را درست بفهمید برای تمام زندگی‌تان اثر دارد. حالا یک‌بار صحبت شده، یک مقداری از آن را گفتم، مختصر بود حالا مفصّل‌تر ان‌شاءالله اگر یادم باشد، (هم یادم باشد که این را بگویم، هم آن وسط یک چیزی یادم نرود)، برای شما می‌گویم.

می‌گوییم: قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ. اوّلاً رَبِّ الْفَلَقِ، فلق چیست و ربّ چیست؟ ربّ یعنی پرورانده. مثلاً پدر و مادر به اعتباری می‌شود گفت ربِّ انسان هستند. پدر و مادر ما را تربیت کردند. البتّه ما وقتی تربیتمان خوب باشد، این سِمت را به آنها می‌دهیم ولی وقتی خودمان از تربیتمان ناراضی نباشیم، دیگر نمی‌گوییم پدر و مادرمان می‌گوییم برای این که از خودمان رد کنیم ولی به‌هرجهت ربّ یعنی پرورانند. حالا یک پرورانندهای هست، بزرگ که تمام جهان را می‌پروراند و همه‌ی ربّ‌های کوچکی که هست، می‌پروراند. خورشید یک ربّی است، ماه یک ربّی است، باد ربّی است، برای اینکه اینها کمک می‌کنند به پرورش گیاه ولی هیچکدامشان زیاده از آن وظیفه‌ای که خداوند در آنها گذرانده، قدرتی ندارند. مثلاً آب نمی‌تواند هیزم را مشتعل کند، بسوزاند. آتش هم نمی‌تواند به یک درخت آب بدهد، هر کدام یک کاری دارند. یک ربّی هست رَبَّ الْأَرْبَابِ یعنی آن پرورانندهی، پرورش‌دهنده‌های دیگر یعنی همه را خداوند پرورش می‌دهد این رَبَّ الْأَرْبَابِ خداوند است. از صفات خداوند که می‌شماریم یکی رَبَّ الْأَرْبَابِ است. قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ پناه می‌برم به پرورش‌دهندهی فلق. فلق چه خصوصیّاتی دارد؟ صبح وقتی بیدار می‌شوید اگر قبل از اذان بیدار شوید، اوّل یک‌خرده تاریک است، کم‌کم این تاریکی کم می‌شود. کم می‌شود تا طلوع خورشید می‌زند. این فاصله که بین تاریکیِ کامل و بین خورشید قرار دارد، این را فلق می‌گویند یعنی نیروی صبحگاهی. همین کار را شفق هم می‌کند یعنی به همین طریقی که صبح فلق را می‌بینید، شب هم شفق را می‌بینید یعنی نور خورشید کم می‌شود، کم می‌شود تا تبدیل به شب می‌شود. شفق را مگر خودِ خداوند نیافریده؟ فلق را هم که خود خداوند آفرید، هر دو تا هم مثل هم هستند. فکر کردید چرا خداوند فرمود: بگو قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ؟ این شعری که می‌گوید:

در تاریکی بسی امید است پایان شب سیه سپید است

یعنی خداوند شما را می‌خواهد عادت بدهد، ما را عادت بدهد به اینکه اگر هم حالا را از هر

جهتی تاریک می‌بینیم، به یاد خدا باشیم و منتظر باشیم که ما را بپذیرد، قُلْ أَعُوذ، پناه می‌برم. به او پناه بردیم گفتیم: خدایا! تو فلق را درست کردی، من به تو پناه می‌برم یعنی من در همین تاریکی که هستم، همینطور تاریکی کم‌کم برود تا روشنایی، این خودش یک درسی برای ماست از لحاظ امیدواری یعنی خداوند می‌گوید: می‌خواهی پناه ببری به من از بدی‌ها، مگر بدی‌ها را من نیافریدم؟ در کار من دخالت می‌کنی؟ به تو چه! ولی وقتی می‌گویید: قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ یعنی امیدوارم به تو که فلق را که آفریدی، من را هم با همان فلق بیاوری یعنی همیشه امیدِ به روشنی. به همین دلیل هم قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْشَفَقِ، نفرموده است که ما را از روشنی ببر به تاریکی، نه! قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ.

دوّمی‌اش: مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ (سوره فلق، آیه ۲) چطور شد نفرمود که آخر مِنْ شَرِّ چی؟ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ، هر شرّی که آفریدی یعنی ما نمی‌دانیم چه شرّی آفریدی. شاید برای مردم اسپانیا یک شرّی باشد که برای ما نیست، ما خبر نداریم ولی آن را هم که خدا آفریده. می‌گوییم از هر شرّی که در دنیا هست و تو آفریدی. خدا اگر از شما بپرسد: مگر من خیرِ مطلق نیستم؟ می‌گویید که خداوند خیرِ مطلق است و خود شما آدم‌ها، فلاسفه‌ی شما می‌گویند که لایَصْدُرُ مِنَ الخَیرِ اِلّا خَیر، از خیر جز خیر صادر نمی‌شود بنابراین مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ یعنی چه؟ من که شرّ نیافریدم. از آن‌طرف می‌گوید که من شرّ نیافریدم ولی از این‌طرف می‌گویید هر چه آفریده است، خدا آفریده. این چطوری می‌شود؟ ببینید پس خیر و شرّ لابد در این وضعیت یک اشکالی، یک چیزی هست که ما باید رفع کنیم.

اوّلاً خیر چیست؟ شرّ چیست؟ یک مثال‌هایی از زندگی خودمان که خدا آفریده بزنیم. فرض کنید یک گله‌ی گوسفند یا گاو را دارند چوپانی می‌کنند، از یک زراعت گندم رد می‌شوند. تازه گندم مثلاً یک وجب بالا آمده، خیلی خوب و تازه. گاوها به هم می‌گویند: به‌به! چه بهشتی، این همه گیاهان، علف‌های سبز و خرّم! گاوها می‌ریزند می‌خورند ولی ما می‌آییم گاوها را می‌زنیم، می‌گوییم: زراعت ما را خراب کردی، ما گندم کاشته بودیم که در بیاید گندم بشود، شما خراب کردید خوردید. این کار گاوها برای خودشان خیر است، برای ما شرّ است. پس خیر و شرّ بسته به آن مورد است. در یک جای دیگر هم خدا می‌فرماید که وَ آتاکُمْ مِنْ کُلِّ ما سَأَلْتُمُوهُ (سوره ابراهیم، آیه ۳۴) خطاب به انسان‌ها می‌گوید: هر چه از ما خواستید ما به شما دادیم. اگر ما بخواهیم آن گاوها را از بین ببرد و خدا بدهد، خوب است؟ نه! پس چی؟ مِنْ کُلِّ ما سَأَلْتُمُوهُ یعنی آنچه که ما آفریدیم، هر چه خواست به او دادیم یعنی آنچه ما بیافرینیم، کامل است، نقصی در آن نیست. شما بشرها هم از آنچه که طبیعتِ بشری از ما خواست، مثلاً طبیعت بشری خواست که آب فراوان باشد، آب در کره‌ی زمین فراوان است، بخورید هر چه دلتان می‌خواهد. طبیعت بشری از ما خواست که همه‌ی کره را هوا بگیرد که بتوانیم نفس بکشیم، به شما دادیم. پس این منافاتی با آنجا ندارد، «هر چه خواستید» یعنی هر چه طبیعتِ شما خواست، فطرتِ شما خواست، همان را به شما دادیم.

پس خداوند آنچه به ما داده، خیر است یک گوشه‌اش اگر شرّ است، برای ما شرّ است. برای دیگران شرّ نیست. آخر غیر از اینکه خدا ما را آفریده، فرض کنید گاو، گوسفند، فیل، شتر، زنبور، اینها را هم خدا آفریده. به آنها هم باید برسد، نباید ما اینقدر خودخواه باشیم. گو اینکه خدا خودش می‌خواهد

که ما خودخواه باشیم، گفته همه را آفریدم. خداوند مار را می‌خواهد باشد، برای چی؟ برای اینکه مار، موش‌ها را می‌گیرد از بین می‌برد، بسیاری از حشرات را از بین می‌برد، یک کارهایی در طبیعت می‌کند ولی برای ما شرّ است، ما، مار را ببینیم، می‌کشیم پس مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ یعنی از شرّ مار پناه می بریم یا اینکه مار را آفریده، از شرّ آنچه که آفریده که «مار» است، پناه می‌بریم. مار شرّی دارد، خیری هم دارد مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ.

وَ مِنْ شَرِّ غاسِقٍ إِذا وَقَبَ (سوره فلق، آیه۳) از شرّ تاریکی و ظلمت وقتی بر ما حمله می‌کند. یک مصداقش این بیماری‌هایی که پیدا می‌شود. بیماری‌ای پیدا می‌شود نمی‌دانند چیست؟ اصلاً تشخیص نمی‌دهند چیست؟ تمام فکر در تاریکی است، این خودش یک شرّی است. برای اینکه خداوند وسیله‌ی دفع شرّ را برای ما فراهم کرده یعنی مار برای ما شرّ دارد، ما وسیله‌ی دفعش را داریم و امثال اینها. بعضی بیماری‌ها را بر ما مسلّط کرده، بعضی بیماری‌های روانی، بعضی بیماری‌های جسمی. خداوند وسیله‌اش را برای ما فراهم کرده، داده است. وَ مِنْ شَرِّ غاسِقٍ إِذا وَقَبَ یعنی قبل از هر چیزی به ما حمله می‌کند این تاریکی و ظلمتِ اینکه این چیست؟ فهم این؟

وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثاتِ فِي الْعُقَدِ (سوره فلق، آیه ۴) آنهایی که در گره‌ها می‌دمند. البته مصداقش چیست؟ مصداقش آنوقت‌ها در جهان این بوده که اینهایی که طلسم می‌کردند یا دعابندی می‌کردند، دیدید! یک گره‌هایی می‌زنند. خیلی دیدید. بر آن گره بدمند. یک حرفی می‌زنند و گره می‌زنند. اگر می‌ترسید از اینکه گره‌ها باشد، می‌گویید: وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثاتِ فِي الْعُقَدِ اگر نه، آن دمیدنِ در این گره‌ها یعنی آن کسی که زحمت و زجر شما را زیادتر کرده. خودتان زحمت و زجری دارید، گره‌اش هست، او بر آن می‌دمد، زیادترش می‌کند. نمک می‌پاشد روی زخمتان. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۵/۲۴، جلسه خواهران ایمانی)

*****

ما همیشه چشممان به در هست که یکی از دوستان ما را که گرفته‌اند اذیّت کردند، از در دربیاید و معلوم بشود که نه، دیگر دوران پایان شب سیه سپید است. الحمدلله پریروز آقای مرادی از خانواده‌ی آقاملکی شیراز، خانواده‌ی بزرگ، ایشان را هم آزاد کردند و جمعاً تقریباً به‌نظرم هفت نفر تشریف آوردند این آقایان، برادران، اینجا و من دیدمشان خیلی خوشحال شدم. البتّه هنوز از ما هستند و برای آنها یک قدمی در راه، یک قدمی در سلوک است، برای ما هم همینطور است. ما هم غصّه و اندوهمان کم از آنها نبود. همانطوری که در جای دیگری گفتم، این جریانات هم یک قدمی در راه سلوک بود برای ما و الحمدلله در این جریان بدون تلفات ما پیروز شدیم یعنی پیروز بر کی شدیم؟ بر شیطان. اَعْدیٰ عَدُوِّكَ فی نَفْسَكَ، برای ما امتحانی بود الحمدلله. بطور نمونه اینها یک چند نفری از ما را گرفتند و امتحان کنند، باید گفت برای اینکه خداوند وقتی فرشتگان را در قرآن ذکر می‌کند، (در کجاست؟ حالا یادم نیست، کدام سوره است؟ حافظه‌ام یک وقتی خوب بود همه چیزها یادم بود ولی حالا عبارت یادم نیست. معنا هم که جزئم شده، خودم معنای قرآن را عمل می‌کنم ولی عباراتش یادم می‌رود.) می‌گوید که یک فرشتگانی، یک کسانی بر آنها گذارده‌ایم که اذیّتشان کنند. لا یَعْصُونَ اللهَ ما

أَمَرَهُمْ (سوره تحریم، آیه ۶). کسانی هستند که از امر خدا تمرّد نمی‌کنند یعنی خواستند در اینجا بگویند شما اگر خوب هم باشید، اگر خدای‌نکرده دچار این محکومیت شدید، همین فرشته‌هایی که خیلی هم خوبند، فرشته‌اند، بر شما گمارده می‌شوند که بدون شفقت اذیّتتان کنند. بعد می‌فرماید: اینها هم گروهی از فرشتگان هستند. خداوند به‌این‌طریق، شاید نظرش هم بیشتر بر این بوده که رأس اینها که شیطان، ابلیس هم باشد، در نظر ما دشمن است، دشمنِ ماست، برای اینکه خداوند روز اوّل به پدر و مادرمان که از بهشت بیرون آمدند یا بیرونشان کردند (فرق نمی‌کند)، شیطان را نشان داد و گفت این دشمنِ شماست. مواظب باشید، از او فرار کنید. اینها خوب است منتها امتحان بود، امتحانی که خوشبختانه کسانی که مستقیم این امتحان را دادند، آقایان، برادرانمان باشند، الحمدلله خوب درآمدند. همه‌شان مثل آهن آبدیده، آهنی که از آن شمشیر درست می‌کنند، آن شعر می‌گوید:

یکی زرّ نابِ مَلک بر نوشته (یعنی پول) دگر آهن آبداده‌ی یمانی

الحمدلله این آقایان خوب امتحان دادند. همه‌ی فقرا هم آنهایی که بایستی کمک کنند، مساعدت‌هایی کردند. حتّی کسی که مساعدتش در این بود که واقعاً از ته دل آه برمی‌کشید و برای اینها دعا می‌کرد. البتّه این از لحاظ خودشان، برایشان شأن است ولی این را آنها زحمت کشیدند و این تحمّلات را کردند، نه برای چنین شأنی بود بلکه برای این بود که از این امتحان خوب دربیایند. الحمدلله خوب درآمدند.

مثل اینکه معلوم می‌شود ان‌شاءالله که خود هوای دنیا، هوای مملکت یک‌خرده فرق کرده ان‌شاءالله رو به اعتدال برود. من همیشه این مثال را می‌زنم، آنوقت‌ها که جنگ نمی‌دانم در ویتنام بود؟ کجا بود؟ خیلی سخت. آمریکا مرتّب غارت می‌کرد، بعد با یکی از آنها مصاحبه کرده بودند، گفته بود: ما برای حفظ صلح داریم می‌جنگیم. حفظ صلحی که به جنگ تبدیل می‌شود! حالا ما ان‌شاءالله با حفظ صلح و با تحمّل رنج‌هایی که از این حاصلمان هست، امیدوارم نزد خداوند مأجور باشیم ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح پنج‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۵/۲۹)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید.